آسيبشناسي برنامه‌هاي فقرزدائي در ايران

سيدمهدي ارائي*

مسئله فقر در ايران از ابعاد مختلفي مورد بررسي و كنكاش قرار گرفته است . با بررسي كليه مطالعات صورت گرفته در مورد پديده فقر در ايران چه از منظر متدولوژيكي و چه از منظر كاربردي (سياستهاي اجرايي) مشاهده مي‌شود كه علي رغم تمامي دستاوردهاي علمي و نظري در اين حوزه كشور ما هنوز در نوع مواجهه و حل اين معضل اقتصادي ـ اجتماعي و فرهنگي ناموفق بوده و با چالش هاي بسياري روبروست. فقدان يک اراده ملي برخاسته از درون دولت، ملت، بخش خصوصي و نهادهاي مدني موجب گرديده است كه نحوه برخورد با اين پديده، به‌دليل عدم اجماع در ميان صاحبنظران از فقر و به دنبال آن وجود توصيه ها و رهنمودهاي متفاوت و بعضاً متعارض و اتخاذ روش‌هاي ناكارآمد در رفع فقر، پيچيدتر شده و حل آن طولانی‌تر شود.

اين پژوهش با نگاهي نقادانه علل ناكامي و ناكارآمدي ريشه كني فقر در ايران را با

* كارشناس‌ارشد توسعه اقتصادي و برنامه‌ريزي، سازمان مديريت برنامه‌ريزي كشور<Smm-araee@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بررسي مباحث مختلفي چون رويكردهاي مختلف در حل فقر، گذشته و سابقه فقر در ايران، بررسي سياست‌هاي كلان كشور در فقرزدايي مورد توجه قرارداده و نشان مي‌هد به دلايل بسياري از جمله تعارض و عدم انطباق نظريه و عمل (و درصورت ادامه روند فعلي) مسئله فقرزدائي در ايران با موفقيت قابل توجهي همراه نخواهد بود . در انتها با جمع بندي و نتيجه‌گيري؛ ضرورت تشكيل كميته ملي فقرزدايي با عضويت نمايندگاني از دولت، بخش خصوصي و نهادهاي مدني جهت ساماندهي برنامه‌های فقرزدائي در ايران را يادآور مي‌شود .

كليدواژه‌ها: برنامه، فقر، فقرزدايي، نابرابري
تاريخ دريافت مقاله: 83/12/11 تاريخ پذيرش مقاله: 84/5/23

مقدمه

فقر، اين پديده شوم كه در تاريخ بشري قدمت ديرينه دارد چه مسائل گسترده اي را رقم زده است. معضلي بزرگ و بيماري صعب العلاج كه ذهن و انديشه بسياري از سياست‌مداران و دانشمندان علوم مختلف را به خود معطوف نموده است . فقر از ساده‌ترين و ملموس‌ترين سطح يعني تخريب و تضعيف جسم انسان خود را نشان داده و تا بالاترين سطح، تكامل بشري را با تهديد جدي روبه رو ساخته و او را به چالش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

عميقي فرا خوانده است.

علي‌رغم تلاش‌هاي عظيمي كه در جهت حذف و ريشه‌كني فقر در جهان صورت گرفته نتايج چندان قابل توجهي از آن گرفته نشده است. به استناد آمارهاي ارائه شده از سوي UNDP دهه 1990 دهه ياس و ناميدي بود. در حال حاضر 54 كشور نسبت به سال 1990 فقيرتر شده اند. درآمد 57 درصد فقيرترين افراد جهان به اندازه يک درصد ثروتمندترين افراد جهان مي‌باشد. درآمد 25 ميليون آمريكايي ثروتمند به اندازه درآمد تقريبا 2 ميليارد نفر در جهان مي‌باشد. اين مسئله موجب گرديده است كه در قرن جديد تعهد و تضمين بي‌سابقه‌اي براي رهايي از فقر در ج هان آغاز شود . بيانيه هزاره سازمان ملل متحد كه توسط بزرگترين نشست سران كشورها در طول تاريخ ارائه گرديد، سرلوحه تمام آرمان ها و اهداف خود را ريشه كني فقر شديد و گرسنگي قرار داده است . حتي گز ارش توسعه انساني 2003 از مجموعه گزارشات جهاني برنامه عمراني ملل متحد (UNDP) عنوان خود را اهداف توسعه هزاره : پيماني ميان ملت ها براي پايان دادن به فقر انتخاب نموده است. (حسين غفراني و ديگران، 21:1382)

در اين‌جا سؤال بسيار مهم و بنيادين كه در نگاه اول مطرح مي‌شود تعريف فقر و حد و حدود آن مي‌باشد. اصولا فقر چه حوزه هايي را در برمي‌گيرد؟

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نحوه برخوردها با آن چگونه است؟ در چه حوزه هايي از فقر بايد ريشه‌كني كامل صورت گرفته و در كدام قلمروها، سياست‌هاي راهبردي و اجرايي بايستي به شكل كاهشي باشد ؟ به باور نويسنده نه تنها در حوزه فقر كه در اجراي بسياري از مسائل توسعه كشور، نحوه و نوع ن گاه ما به مسائل مختلف اقتصادي ـ اجتماعي به شكل "Problem Oriented" نيست. به عنوان نمونه علي رغم ابعاد گسترده فقر و وجود مباني نظري متعدد در جهان كه رويكرد علمي بدان دارند، اكثر پژوهش ها بدون توجه به شرايط خاص حاكم بر كشور تنها به ترسيم خطوط مختلف فقر و تحليل‌هاي اقتصادي ـ اجتماعي برخاسته از همان تئوري‌ها پرداخته اند. چه اگر صاحبنظر حوزه فقر در كنار چالش هاي اقتصادي ـ اجتماعي فقر وارد چالش‌هاي ايدئولوژيكي از ديدگاه نظام اسلامي و ارزشي شود، مسئله بسيار پيچيده تر و حل آن مشكل‌تر خواهد شد. نظامي كه فقر را در نا زلترين سطح خود (فقر معيشتي) در نظر گرفته و تا عالي‌ترين سطح خود همانند اين عبارات كه همگي شما نزد خداوند فقير هستيد و يا فقر نزديک است به كفر بي‌انجامد و... از آن غفلت نمي‌كند چگونه مي‌تواند حل مسئله فقر را به آساني از طريق «دانش و ارزش» ميسر سازد؟

به نظر می رسد كشور ايران به دلايل متعددي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

هدايت سكان سياست‌هاي فقرزدايي را بدون داشتن يک قطب‌نماي صحيح در دست داشته و اين تا حد بسياري مي‌تواند معلول عدم شناخت صحيح از وضعيت فقر در كشور و در جهان و عدم اجماع نخبگان، دولت و ساير بخش‌ها از آن باشد. در ادامه اين مقاله به بررسي آسيب‌شناسي فقر در ايران در سه سطح خواهد پرداخت. در سطح اول مباحث نظري مطرح خواهد شد. در اين مرحله ادبيات موضوع، مباني نظري و سابقه مطالعاتي آسيب‌شناسي فقر گفته خواهد شد. در سطح دوم بررسي مفاهيم و تعاريف مختلف فقر و بررسي سياست‌ها و برنامه هاي فقر در ايران مورد توجه قرار خواهد گرفت. در اين قسمت از مقاله تعارضات و چالش‌هاي جدي بين نظريه و عمل به صورت تفكيكي و توأمان بيان خواهد شد. و درسطح آخر يک تجزيه و تحليل از مباحث مطرح شده ارائه شده و در نهايت به نتيجه گيري و پيشنهادات پرداخته خواهد شد.

1) مباحث نظري

آسيب‌شناسي (Pathology) مفهومي است كه در واقع از علوم زيستي به عاريت گرفته شده و در ساير علوم مانند جامعه‌شناسي و اقتصاد به كار گرفته مي‌شود. طبق تعريف آسيب شناسي عبارت است از «مطالعه و شناخت ريشه بي نظمي‌ها در ارگانيسم » (هدايت‌الله ستوده، 14:1373). به عبارتي در آسيب‌شناسی مباني

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

و ريشه هاي كاركردهاي نابسامان مورد مطالعه و بررسي قرار مي‌گيرد (رئيس‌دانا، 3:1380). در پزشكي به فرايند و علت يابي بيماري ها، آسيب شناسي مي‌گويند. در جامعه‌شناسي مبحث آسيب‌شناسي اجتماعي به مطالعه ناهنجاري ها و آسيب هاي اجتماعي نظير، بي‌كاري، فقر، اعتياد، خودكشي و... همراه با علل و روش‌هاي پيشگيري و درمان آن‌ها مي‌پردازد. اگر چه قاعدتاً ريشه‌يابي و شناخت فرايند بيماري‌ها در پزشكي چندان آسان نيست اما پيچيدگي اين مسئله در ساير علوم از جمله جامعه‌شناسي بسيار بغرنج‌تر و پيچيده تر خواهد بود. چرا كه در آسيب هاي اجتماعي آن‌چه كه از اهميت بسياري برخوردار است شناسايي و تشخيص هنجارها و ناهنجارهاي اجتماعي در هر جامعه است. به عنوان مثال در انديشه هاي راست افراطي فقر يک پديده غيرعادي نيست در حالي كه عده‌اي آن را يک نابساماني زودگذر و بي‌ارتباط با بنيان‌هاي اجتماعي مي‌دانند.

كاربرد اين واژه در جامعه شناسي بر پايه نگرش كاركردگرايي است. كاركردگرايان جنبه هاي آسيب‌شناختي جامعه انساني را از منظر ناكاركردي يا سوء كاركردي مورد تجزيه و تحليل قرار مي‌دهند. در مقابل در نگرش ساختارگرا آن‌چه كه از اهميت برخوردار است شناخت ساختارهاي هنجارساز و ناهنجار مي باشد. در واقع در اين ديدگاه اگر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

چیزی در راستای هم زیستی و هنجار و اهداف تعریف شده و تایید شده اجتماعی کار نکند، ناکارکردگرا یا آسیب قلمداد می‌شود.

به‌طور خلاصه رسالت آسیب‌شناسی در دو مرحله صورت می‌گیرد. در مرحله اول شناسایی و ریشه یابی بی‌نظمی‌ها و علل ناکارکردی پدیده مورد نظر انجام گرفته و در مرحله دوم شیوه های پیشگیری و درمان آن مطرح شده و ارائه طریق صورت می گیرد. لذا در این مقاله بحث آسیب شناختی برنامه های فقرزدایی در ایران دو وظیفه اساسی را برعهده دارد: شناخت علل ناکارآمدی و ناکارکردی برنامه‌های فقرزدایی در ایران و ارائه رهنمودها و راه حل‌ها برای جلوگیری از بروز عوارض و تبعات منفی و سوء آن‌ها.

2) فقر؛ از نظریه تا عمل

1ـ2) مفاهیم فقر، سطوح و ابعاد آن

از زمانی که «فلسفه فقر» توسط پرودون در 160 سال پیش به نگارش درآمده و در آن فقر ناشی از عدم اعتنا و اجرای عدالت جامعه به ارزش کار مردم دانسته شده است، مدت طولانی جهت شناخت فقر می‌گذرد. تلاش‌های بسیاری در این راستا صورت گرفته است، اما کماکان مشکل باقی است . حتی جوابیه کارل مارکس به پرودون در قالب «فقر فلسفه» به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اين مسئله مهم اشاره دارد كه تا زماني كه خود شناخت فقر دچار مشكل باشد نمي توان فهميد فقر چيست و فقير كيست و چه سياست‌هايي را براي حل آن اتخاذ نمود (رئيس‌دانا، 2:1379).

2_1_1) فقر مطلق و فقر نسبي

در اين رويكرد فقر مطلق در واقع تعريفي از ادامه بقا و يا حداقل زندگي است. به عبارتي مجموعه كالاها و خدماتي كه براي حيات يک خانواده ضروري است، مرز بين فقير و غير فقير در نظر گرفته مي‌شود. فقر نسبي بنا به تعريف پايين بودن درآمد فرد از متوسط درآمد جامعه مي باشد. (Schiller,2001:16-17). به فقر نسبي گاهي فقر درآمدي نيز گفته مي شود و يک مفهوم قراردادي بوده و در جوامع مختلف تعاريف متفاوتي دارد.

2_1_2) فقر مبتني بر نيازهاي اساسي

رايج‌ترين رهيافت در تعريف فقر، مشخص ساختن نيازهاي اساسي انسان مي باشد. مي‌دانيم مهم‌ترين نياز اساسي فرد مواد غذايي لازم براي دريافت سطحي از انرژي غذايي م يباشد (راوالیون، 1376: 42). در واقع پايين‌ترين و در عين حال مهم ترين سطح فقر، فقر غذايي مي باشد. پس از آن محروميت در دريافت ساير نيازها از قبيل، پوشاک، مسكن، بهداشت و آموزش مطرح مي‌گردد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

3ـ1ـ2) فقر انساني

(HPI: Human Poverty Index) اين نوع فقر كه در قالب شاخص فقر انساني متبلور مي‌گردد، براساس ميزان محروميت افراد جامعه در سه زمينه اساسي زندگي انساني يعني طول عمر، دانش و آگاهي و سطح زندگي قابل قبول پايه گذاري شده است . در شاخص فقر انساني، «طول عمر» درصدي از جمعيت جامعه است كه انتظار رسيدن به سن 40 سالگي را ندارند. محروميت از دانش و آگاهي نيز با درصد بي سوادي بزرگسالان مورد توجه قرار مي گيرد. كمبود و محروميت از داشتن يک سطح قابل قبول از زندگي از نظر امكانات و تسهيلات اقتصادي با دو معيار ديگر يعني درصد جمعيت غير برخوردار از منابع آب بهداشتي به صورت پايدار و درصد كودكان زير پنج سال دچار كم وزني اندازه گيري مي شود. (گزارش توسعه انساني، 2003: 388)

4ـ1ـ2) فقر قابليتي

در اين نگاه، فقر صرفاً پايين بودن درآمد كه ضابطه متعارف شناسايي فقر است نبوده و از آن به عنوان محروميت از قابليت هاي اساسي ياد مي شود. در نگاه جديد فقر به معناي فقدان قدرت فرد يا جامعه در دستيابي به غذا و خدمات بهداشتي و درماني، ناتواني از حفظ حريم و حرمت‌هاي انساني، ناتواني در پاسداري از عزت نفس، عدم توانايي در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

دستيابي به آزادي‌هاي اساسي و حداقل آموزش تعريف مي‌شود. (فقر و شكاف اجتماعي، دفتر دوم مجموعه گزارش‌هاي همايش چالش ها و چشم انداز‌ه‌هاي توسعه ايران، 1381)

برنامه‌هاي مبتني بر فقر قابليتي تلاش دارند تا زمينه‌هاي پيدايش فقر را كاهش داده يا از بين ببرند. گسترش آموزش عمومي، بهداشت و درمان و به عبارت ديگر ارتقاي كيفيت زندگي از طريق بهبود شاخص‌هاي توسعه انس اني از بهترين راهكارها در اين زمينه معرفي شده‌اند.

3) اهداف توسعه هزاره : رويكرد جديد جهاني به مسئله فقر

مقدمتاً بايستي به اين نكته اشاره كنم، اعلاميه هزاره كه در اجلاس جهاني هزاره كه از تاريخ 6 تا 8 سپتامبر سال 2000 در مقر سازمان ملل متحد در نيويورك تشكيل شد، توسط سران 191 كشور جهان به تصويب مجمع عمومي رسيد . (قطعنامه A/RES/55/2 سازمان ملل)

در اين اعلاميه كشورها خود را ملزم و متعهد نموده‌اند كه به اهداف توسعه اي مصرح در آن از قبيل صلح؛ امنيت و خلع سلاح؛ ريشه‌كني فقر؛ حفاظت از محيط زيست؛ حقوق بشر؛ حمايت از اف راد آسيب‌پذير؛ تامين نيازهاي ويژه آفريقا و تقويت سازمان ملل متحد پاي‌بند بوده و در جهت تحقق آن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

از هیچ کوشش و تلاشی دریغ ننمایند.

اهداف توسعه هزاره که خود برخاسته از بیانیه هزاره می‌باشد متشکل از 8 آرمان 18 هدف و 48 شاخص می‌باشد. به باور نویسنده (با اندکی ت سامح و تساهل) این رویکرد جدید بسیار نزدیک به رویکرد فقر مبتنی بر نیازهای اساسی است، معذلک دارای 2 تفاوت عمده و کلیدی با سایر ادبیات رایج و متداول فقر می‌باشد:

الف) تفاوت نخست این است که در اکثر رویکردهای روش شناختی فقر آنچه که از اهمیت بسیاری برخوردار بوده مسئله فقر غذایی و معیشتی بوده و از توجه به سایر ابعاد فقر چون فقر بهداشتی، آموزشی، مسکن و انواع تبعیض‌ها چشم‌پوشی نموده است. (اگر چه این موارد تنها در بردارنده فقر اقتصادی هستند اما پیش بینی می‌گردد که طی دهه آینده موارد فقر فرهنگی، اجتماعی و به عبارتی فقر قابلیتی در قالب شاخص ها و معیارهای پذیرفته شده جهانی به منصه ظهور رسیده و به کمک آن‌ها بتوان میزان فقر یک کشور را در حوزه دموکراسی و حتی رفتارهای اجتماعی با سایر کشورها مقایسه و ارزیابی نمود) در واقع می‌توان آرمان‌های فوق را به شکل زیر طبقه‌بندی کرد:

ـ **فقر غذایی، آرمان 1:** ریشه‌کنی فقر شدید و گرسنگی؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ـ **فقر آموزشي، آرمان 2:** دستيابي همگاني به آموزش ابتدايي؛

ـ **فقر بهداشتي، آرمان‌هاي 4 و 5 و 6 و 7:** يعني كاهش مرگ و مير كودكان، بهبود سلامت مادران، مبارزه با HIV/AIDS و تضمين پايداري محيط زيست (در اين آرمان بهبود چشمگير در زندگي حداقل 100 ميليون زاغه‌نشين تا سال 2020 ديده شده است).

ب) تفاوت بسيار مهم‌تر اين كه تا قبل از تدوين اين اهداف يک اجماع جهاني و توافق شده بر سر اتخاذ يک خط مشي واحد از نظر روش‌شناسي، تعريف و نحوه محاسبه فقر صورت نگرفته بود . اين حركت قدمي بسيار مهم در يكپارچه سازي مفهوم فقر (حداقل در سطح بسيار نازل خود) و پرهيز از روش‌هاي متعدد آن مي باشد. به عنوان مثال فقر مفرط در ادبيات جديد آن فقري است كه فرد با درآمد زير يک دلار در روز برحسب برابري قدرت خريد (PPP) به زندگي ادامه مي دهد (كتاب راهنماي آرمان‌ها و اهداف توسعه هزاره، 16: 1384) در بخش‌هاي بعدي به طور مفصل در اين زمينه به بحث خواهيم پرداخت.

4) مطالعات و بررسي‌هاي موجود از فقر در ايران

سابقه مطالعات مربوط به فقر و توزيع درآمد به اواسط دهه 1320 همزمان با تاسيس وزارت كار در ايران بازمي‌گردد. اين مطالعات بيشتر در قالب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

تعيين حداقل دستمزد تعيين سبد مصرفي خانوار مي‌باشد. از سال‌هاي دهه 1340، مركز آمار ايران، نتيجه‌گيري و بررسي هاي هزينه و درآمد را شروع نمود و همه ساله نتايج آن در قالب نشريات سالانه منتشر مي‌شود.

در مورد توزيع درآمد يكي از كارهاي اوليه توسط هاشم پسران در سال 1354 و كار ديگر در سال 1358 توسط مرحوم حسين عظيمي در مقوله فقر و رفاه صورت گرفته است.

در دوران پس از انقلاب مطالعه اي توسط حسين عظيمي تحت عنوان «بررسي توزيع درآمد و هزينه در ايران» در سال 1369 انجام گرفت. نتايج اين تحقيق نشان داد كه تمركز درآمد، بيشتر در بخش‌هاي خدمات غيردولتي و بخش صنايع بزرگ مي‌باشد. در عين حال بخش قابل‌توجهي از خانوارهاي كم‌درآمد در بخش هاي خدمات دولتي، ساختمان و صنايع و معادن كوچك قرار دارند. مقاله پژويان در سال‌هاي 70ـ1369 به بررسي مسائل توزيعي و وضعيت تغذيه و فق ر شهري و روستايي مي پردازد. طرح بعدي وي نيز در اين راستا در سال 1371 به شناسايي و برنامه حمايت از اقشار آسيب پذير اختصاص يافت. در سال 1372 خانم پروين رساله دكتري خود را به بررسي زمينه هاي اقتصادي فقر در ايران اختصاص داد. در اين اثر تحقيقي نابرابري

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

شديد در توزيع درآمد و فقر گسترده از دو منظر مورد بررسي قرار گرفته است . اول آن كه توزيع نابرابر درآمد با ايجاد محدوديت در تقاضا و تاثير بر تركيب توليد، ساختار بازار را تحت تاثير قرار خواهد داد به گونه اي كه در اثر تنوع در تقاضاي قشر محدود پردرآمد و كاهش تقاضاي قشر عظيم كم درآمد، ساختار توليد تغيير كرده و مانع برخورداري بخش توليدي از مزاياي توليد در مقياس انبوه خواهد گرديد. از طرف ديگر باتوجه به نقش نيروي انساني در فرايند رشد، گستردگي فقر و توزيع نابرابر درآمد منجر به سطح پايين بهره وري بخش عظيمي از نيروي كار خواهد شد كه اين امر خود رشد بلندمدت توليد را محدود خواهدساخت.

از سال 1372 به بعد كارهاي تحقيقاتي گسترده اي در زمينه فقر و فقرزدايي صورت گرفته است . (سازمان مديريت و برنامه ريزي استان گيلان، فقر، توزيع درآمد و رفتار مصرفي خانوارهاي استان گيلان، 1383: 55ـ13)

يک بررسي اجمالي از تحقيقات صورت گرفته نشان مي‌دهد كه مسئله فقر درايران چه از منظر تئوري و چه از منظر كاربردي (كيفي و كمي) با چالش هاي جدي روب هروست. به عبارتي اكثر مطالعات انجام شده در كشور به بررسي خط فقر غذايي پرداخته اند. نكته مهم‌تر آن‌كه مي‌توان يک فهرست بلن دبالائي از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

خط فقر غذايي (كالري) كه به شيوه هاي مختلف محاسبه شده است را تهيه نمود كه از آن نتايج هيچ يک از دو گزارش با يكديگر هم خواني نداشته باشد. علاوه بر اين مي‌توان مشكلات فراواني براي اندازه‌گيري فقر در ايران مانند كمبود يا نبود آمار و اطلاعات كافي، عدم همخواني آمارهاي منابع مختلف، محدوديت در دسترسي آسان به اطلاعات، فقدان بانک اطلاعاتي منسجم و همچنين وجود نوسانات شديد در اقتصاد كشور را اضافه نمود كه خود از مشكلات جدي اين حوزه مي‌باشد كه بايد براي حل آن چاره‌جويي‌هاي اساسي نمود.

به‌طور خلاصه همان گونه كه مشاهده گرديد حضور ادبيات و متدولوژي هاي متعدد در حل مسئله فقر خود يكي از موانع و آسيب هاي اصلي عدم رفع فقر در ايران مي‌باشد. در واقع از موانع جدي اين راه وجود همين تنوع و تكثر در بعد روش شناختي فقر و مفاهيم آن مي باشد. زيرا اگرچه گسترش و شناسايي زمينه‌هاي مختلف فقر موجب شناخت هر چه بيشتر اين پديده شوم و معضل مهم اجتماعي مي گردد اما به دليل تمركز مسائل پژوهشي بر روي يک يا چند جنبه از فقر موجب عدم اجماع بين صاحبنظران از ارائه يک تصوير دقيق از فقر در ايران گرديده است.

به اعتقاد نويسنده اين مشكل مهم ترين و اصلي‌ترين علت عدم ريشه‌كني و يا كاهش فقر در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ايران مي‌باشد. به عبارت ديگر از آن جايي كه «وضعيت فقر در ايران » به شكل منسجم و مورد تاييد و تصديق تمامي كارشناسان و متخصصين اين امر وجود ندارد، لذا مشكل بعدي را رقم خواهد زد و آن اينكه فرد سياستگذار نيز با توجه به وجود راه‌حل‌ها و رهنمودهاي مختلف در زمينه حل مسئله فقر كه توسط طيف گسترده اي از افراد و سازمان هاي مختلف صورت گرفته است، دچار ابهام و ترديدهاي جدي شده و با اتخاذ سياست هاي مختلف و بعضا متعارض (چون به دليل همان عدم اجماع ممكن است سياست‌ها توسط يک پژوهش توص يه گردد اما توسط مطالعه ديگر مردود قلمداد شود) حل اين مسئله را پيچيده‌تر نموده و حتي از دستيابي به اهداف فقرزدائي در ايران نيز دور گردد . تشريح سياست‌هاي مختلف فقرزدائي در ايران را در قسمت بعد مورد توجه قرار خواهيم داد.

1ـ4) سياست‌ها و برنامه‌هاي فقرزايي در ايران

در اين بخش به بررسي سياست ها و برنامه هاي فقرزدايي در ايران خواهيم پرداخت . در اين بخش مشاهده خواهد گرديد كه به دليل عدم شناخت صحيح از مقوله فقر و ناتواني در تعيين اين نكته كه كشور در كدام يک از مراحل فقر قرار دارد موجب گرديده كه در بهترين و خوشبينا نه‌ترين حالت سياست‌هاي معطوف به ريشه كني فقر و فقرزدايي در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ايران به‌طور كامل قرين موفقيت نباشد . لذا عدم درک صحيح از وضعيت فقر چه در سطح ملي و چه در سطح شهر يا روستا منجر به اتخاذ سياست هاي يک جانبه ناموفق و غيرهدفمند گرديده و حتي به تعميق فقر بي‌انجامد.

در اين بخش به بررسي اقدامات و سياست‌هاي بكار گرفته شده در امر فقرزدائي در دوران پيش از انقلاب و بعد از انقلاب خواهيم پرداخت.

1ـ1ـ4) دوران پيش از انقلاب (1356ـ1327)

طي اين دوره كشور در آستانه شناسايي خود و در آغاز مراحل توسعه بوده است و ب ه تدريج و در پايان عمر نظام گذشته به يک شناخت كلي از مسائل اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي (تفكيک شده) مي‌رسد. لذا با بررسي كلي دوران گذشته هيچ گونه سياست و برنامه‌اي كه مسئله فقر را به شكل مستقيم هدفگذاري كرده باشد مشاهده نمي كنيم اما اكثر سياست و اهداف برنامه هاي پيشين در جهت ايجاد زيرساختارها و در بهترين حالت در راستاي افزايش رفاه جامعه بوده است.

1ـ1ـ1ـ4) قانون برنامه عمراني هفت ساله اول (1334ـ1327)

در اين قانون هيچ گونه برنامه خاصي به شكل مستقيم به امر فقرزدايي اختصاص داده نشده است . اما فصل ششم آن اشاره به اصلاحات اجتماعي و شهري از جمله ساختن خانه هاي ارزان‌قيمت، سياست‌هايي در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

جهت ارتقاء بهداشت عمومي و اشتغال بيكاران اتخاذ گرديد.

4_1_1_2) قانون برنامه عمراني هفت ساله دوم (1341_1334)

در اين مرحله توجه جدي به بالابردن سطح فرهنگ و زندگي افراد و بهبود وضع معيشت عمومي (ماده1) گرديد و د ر اين راستا برنامه هاي اقتصادي و اجتماعي مختلف در چهار فصل پيش‌بيني شد.

4_1_1_3) قانون برنامه عمراني سوم كشور (1346_1341)

در اين قانون كه در 8 فصل و 42 ماده به تصويب رسيد، هيچ‌گونه برنامه مدوني براي بخش هاي كلان كشور در نظر گرفته نشد و تنها به تشريح برنامه، سازمان برنامه، درآمد برنامه، هيات عالي برنامه، و... اختصاص يافت.

4_1_1_4) قانون برنامه عمراني چهارم كشور (1351_1347)

در بند ب ماده 1 اين قانون به توزيع عادلانه تر درآمد از راه تامين كار و گسترش خدمات اجتماعي و رفاه (به ويژه خدمات آموزشي، بهداشتي و درماني) و در بند ج نيز به رفع احتياجات اساسي اشاره شده است . فصل پانزدهم صورت اعتبارات عمراني كشور به رفاه اجتماعي اختصاص دارد كه تقريبا 1 درصد كل بودجه را به خود اختصاص داده است. اين فصل شامل بخش هاي مختلف مانند بيمه هاي اجتماعي، رفاه خانواده و كودك، رفاه جوانان ، رفاه كارگران، رفاه روستائيان و.... مي‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

5ـ1ـ1ـ4) قانون برنامه عمراني پنجساله پنجم (1356ـ1352)

در اين قانون برنامه ها به تفکيک امور عمومي، اجتماعي، اقتصادي تقسيم بندي گرديد و مباحث بهداشت و درمان و تغذيه، تامين و رفاه اجتماعي، تامين مسکن، عمران شهرها و روستاها و... در دل امور اجتماعي قرار گرفت.

به‌طور کلي مي توان گفت که در دوران پيش از انقلاب رشد اقتصادي معطوف به شهرهاي بزرگ بود و جامعه روستايي از ثمرات آن بهره چنداني نمي‌برد. در اوايل دهه 1340 با انجام اصلاحات ارضي موجبات بهبود توزيع درآمد وثروت دررو ستاها فراهم آمد اما نيمي از روستائيان که صاحب نسق زراعي نبودند از آن بهره مند نشدند. بعد از اصلاحات ارضي با پديده تجاري شدن کشاورزي، افزايش صنايع مونتاژ و گسترش حاشيه نشيني در شهرهاي بزرگ روبه‌رو مي‌شويم. در سال‌هاي 57 و 1356 خيل محرومان جامعه به صفوف انقلا ب پيوستند و داراي جايگاه ويژه‌اي در دوران پس از انقلاب و در نظام جمهوري اسلامي گرديدند.

2ـ1ـ4) دوران پس از انقلاب

1ـ2ـ1ـ4) قانون اساسي

همان‌گونه که مي دانيم پس از پيروزي انقلاب، ريشه‌کني فقر ومحروميت از چهره جامعه در قانون اساسي پيش‌بيني گرديد. اين مسئله را مي‌توان در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اصول ذيل مشاهده نمود:

ـ **اصل سوم بند 12:** پي‌ريزي اقتصاد صحيح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامي جهت ايجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محروميت در زمينه‌هاي تغذيه و مسكن و كار، بهداشت و تعميم بيمه.

ـ **اصل بيست و نهم :** برخورداري از تامين اجتماعي از نظر بازنشستگي، بيكاري، پيري و...

ـ **اصل چهل و سوم :** صريحاً به ريشه كني فقر و محروميت و برآوردن نيازهاي انسان اشاره مي‌كند.

در طي سال هاي 1367ـ1357 به دليل شرايط جنگي، انواع تحريم ها و شوک هاي منفي نفتي، كشور با هزاران چالش و مشكلات متعدد اقتصادي و غيراقتصادي مواجه گشت. مجموع اين شرايط فرصتي حتي براي حل مسائل و مشكلات اقتصادي، اجتماعي ايجاد ننمود تا چه رسد به اين كه فرصتي براي تدوين سياست‌هاي فقر زدايي به وجود آيد. پس از جنگ در برنامه پنجساله اول تمامي سياست‌هاي دولت معطوف به بازسازي خرابي ها و ويراني هاي حاصل از جنگ و ايجاد زيرساختارهاي اصلي اقتصاد گرديد.

اما اولين قدم اساسي درسال 1374 بود كه جمهوري اسلامي ايران به طور رسمي طرح مبارزه با فقر را در دستور كارخود قرارداد. به‌خصوص در سال‌هاي پس از انقلاب رسيدگي و توجه ويژه به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

روستاها، مناطق محروم و گروه هاي فقير دردستور كار مديران و برنامه ريزان كشور قرارگرفت. اگر بخواهيم مروري اجمالي بر مسئله فقرزدايي از جنبه ملي داشته باشيم ميتوانيم جايگاه آن را در برنامه هاي 5 ساله توسعه كشور بعد از انقلاب به اختصار مورد بررسي قرار دهيم:

2_2_1_4) قانون برنامه اول توسعه كشور (1372_1368)

برنامه اول توسعه كشور با محوريت توسعه اقتصادي و رشد توليد ناخالص داخلي از طريق استفاده بهينه و كارآمد از ظرفيت هاي بلااستفاده و نيمه‌تمام توليدي در جهت توسعه خدمات اجتماعي با اولويت بخش هاي آموزش و پرورش، آموزش عالي، بهداشت و درمان، بهزيستي و تامين اجتماعي گام برداشت. دستاوردهاي برنامه پنج ساله اول در چهارچوب اهداف و سياست هاي كلان اقتصادي و اجتماعي از نگاه بهبود و ارتقاء سطح رفاه خانوار و محروميتزدايي به شرح ذيل ميباشد:

ـ بهبود توزيع امكانات معيشتي جامعه و بهره‌مندي از خدمات و كالاهاي اساسي به نفع اقشار كم درآمد؛

ـ توسعه همه‌جانبه خدمترساني به مناطق محروم؛

ـ حفظ نسبي قدرت خريد كشاورزان؛

ـ گسترش آموزش عمومي و ارتقاء دسترسي ساكنين روستاها و مناطق محروم به خدمات بهداشتي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

3_2_1_4) قانون برنامه دوم توسعه كشور (1378_1374)

در برنامه پنج ساله دوم ج ايگاه رفع فقر و محروميت‌زدايي تحت عنوان خط مشي هاي اساسي و تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعي به شرح ذيل مي‌باشد:

ـ توسعه و بهبود كيفيت شرايط عمومي زندگي مردم؛

ـ اصلاح سيستم مالياتي ب ه نحوي كه از صاحبان درآمدهاي بالا ماليات متناسب و تصاعدي اخذ شود؛

ـ تعميم، گسترش و بهبود نظام تامين اجتماعي؛

ـ عنايت به مناطق محروم و روستاها با اولويت اشتغال، بهداشت و آموزش، توليد و عمران؛

ـ تحت پوشش قراردادن كليه كودكان و نوجوانان لازم التعليم و تقويت آموزش‌هاي عمومي؛

ـ تامين بهداشت عمومي و گسترش بيمه همگاني؛

ـ اتخاذ تصميمات سازگار جهت محروميت زدايي و رفع عدم تعادل هاي منطقه اي در برنامه هاي آمايش سرزمين.

4_2_1_4) قانون برنامه سوم توسعه كشور (1383_1379)

در برنامه پنج‌ساله سوم، فصل پنجم ـ نظام تامين اجتماعي و يارانه ها مواد ذيل را مي توان ملاحظه نمود:

ماده 38ـ حمايت هاي بخش غ يربيمه اي پيشگيري، توان‌بخشي و حمايتي براي نيازمندان، علاوه برخدمات ويژه اي كه در برنامه هاي بخش اشتغال، مسكن و آموزش براي گروه هاي نيازمند در نظر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

گرفته مي‌شود. در اين‌جا دو مورد ذيل اين ماده عنوان مي‌شود كه عبارتند از:

الف) فراهم آوردن تسهيلات لازم براي ن گه‌داري افرادي كه نياز به سرپرستي و يا نگه داري دارند و فراهم آوردن زمينه بازتواني و خوداتكايي آنان؛

ب) پرداخت مستمري به نيازمنداني كه توان كار و فعاليت ندارند.

5ـ2ـ1ـ4) قانون برنامه چهارم توسعه كشور (1388ـ1384)

اولويت‌هاي كشور در زمينه رفع و كاهش همه جانب ه ابعاد فقر در برنامه پنج ساله چهارم كشور شامل اهداف و راهبردهاي ذيل مي‌باشد:

الف) ايجاد امنيت شغلي از طريق:

ـ تامين خدمات مشاوره و مددكاري حقوقي براي شاغلين؛

ـ اعمال حمايت هاي قانوني و حقوقي در برابر بيكاري؛

ـ گسترش بيمه‌هاي بيكاري.

ب) ارتقاء امنيت غذا و تغذيه از طريق:

ـ افزايش رشدكمي و ارتقاء كيفي توليدات كشاورزي به منظور تامين سبد مطلوب غذايي؛

ـ هدفمند نمودن يارانه‌ها؛

ـ ارتقاء سلامت و ايمني مواد غذايي در كليه مراحل از توليد تا مصرف؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ـ پايش مستمر امنيت غذا و تغذيه در كشور.

ج) برابري فرصتها و امكانات دستيابي به آموزش، اشتغال، سرمايه و كارآبرومندانه از طرينق

ـ برابرسازي فرصتهاي استخدام؛

ـ گسترش تسهيلات بانكي، وجوه اداره شده و تامين ابزار كار.

د) توزيع عادلانه درآمد از طريق:

ـ اعمال سياست هاي مالياتي با هدف باز توزيع عادلانه درآمدها؛

ـ توجه ويژه به مناطق محروم و كمتر توسعه يافته و اقشار محروم و تلاش براي افزايش درآمد آنان؛

ـ طراحي سياست هاي مالياتي براي تعديل درآمدهاي ناشي از نوسانات اقتصادي؛

ـ اعطاي يارانه هاي هدفمند و تامين تسهيلات اجتماعي به اقشار فقير و كم‌درآمد.

هـ) افزايش تامين نيازهاي اساسي مردم (مسكن، خوراك، آموزش، سلامت، شغل و حقوق شهروندي) از طريق:

ـ ساخت مسكن ارزان قيمت و تدارك تسهيلات هدايت شده جهت تامين مسكن فقرا؛

ـ تامين مسكن استيجاري و حداقل سرپناه براي بينوايان؛

ـ اعطاي يارانه هاي هدفمند جهت تامين سبد غذايي مطلوب اقشار فقير؛

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ـ تضمين تامين خدمات بهداشتي و درماني ضروري و تامين خدمات توانمندسازي اجتماعي براي گروه هاي كم‌درآمد و فقير؛

ـ گسترش برنامه هاي اشتغال حمايت شده براي فقرا.

و) پيشگيري و كاهش فقر و محروميت از طريق:

ـ گسترش پوشش آموزش عمومي، بهداشت و يا به عبارت ديگر ارتقاي كيفيت زندگي.

ـ اجراي برنامه هاي توانمندسازي براي جمعيت فعال واقع در سه دهک اول تا سوم درآمدي.

5) يافته ها

به جرأت مي‌توان گفت كه هيچ‌گونه برنامه فقرزدايي جامع و مصوبي كه تمامي زمينه ها و ريشه هاي فقر را مورد توجه قرار داده باشد در ايران وجود ندارد.

اقدامات فقرزدايي در برنامه هاي اول تا سوم تنها با ذكر احكام دستوري در حوزه هاي مختلفي چون خوراك، مسكن، اشتغال و .... مشخص نمي‌نمايد كه اين سياست ها معطوف به كدام يك از جنبه هاي شوم فقر است . در برنامه اول يك هدف بهبود توزيع امكانات معيشتي را مورد توجه قرار مي دهد و هدف ديگر حفظ نسبي قدرت خريد كشاورزان را و در جاي ديگر گسترش آموزش عمومي مناطق محروم .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

در برنامه دوم فقر و محروميت زدايي تحت عنوان عدالت اجتماعي مطرح مي شود و شما هيچ گونه پيوند منطقي و ارگانيك در جهت تحقق يك آرمان متعالي حتي به نام عدالت اجتماعي را هم نمي توانيد مشاهده نماييد. از آن جايي كه عدالت اجتماعي تاكنون روشن و شفاف تعريف و عملياتي نشده و به دليل عدم تعيين مصاديق و ابعاد آن، سياست هايي چون بهبود شرايط عمومي زندگي مردم در كنار اصلاح سيستم مالياتي قرار مي گيرد. يا سياست حمايت از ايثارگران و بسيجيان در كنار محروميت‌زدايي و رفع عدم تعادل هاي منطقه اي در برنامه هاي آمايش سرزمين درج مي‌گردد.

در برنامه دوم با مرور كلي خط مشي هاي اساسي مي‌توان ملاحظه نمود كه سياست هاي مذكور به صورت جزاير جداگانه اي هستندكه به صورت موردي هدف خاصي را پوشش مي دهند و اصولا نگرش سيستم اتيك براي حل مسئله فقر وجود ندارد. به عنوان مثال بهبود شرايط عمومي زندگي مردم در كنار اصلاح نظام مالياتي قرار داشته و بلافاصله مسئله جلوگيري از درآمدهاي كاذب و غيرقانوني مطرح مي‌شود. در برنامه سوم نيز اصولا جايگاهي براي امر فقرزدايي در كشور لحاظ نگرديده اس ت. به‌طور كلي سايت‌هاي فقرزدايي در برنامه هاي اول تا سوم حلقه هاي مجزاي يک زنجير هستند كه هيچ گونه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ارتباط منطقي و ارگانيک بين آن‌ها مشاهده نمي‌شود. در واقع پراکندگي سياست ها از جمله ويژگي‌هاي برنامه‌هاي اول تا سوم مي‌باشد.

در برنامه چهارم توسعه کشور براي ا ولين بار برخلاف برنامه‌هاي پيشين مي‌توان يک سازوکار دروني مناسب و منطقي براي حل مسئله فقر در ايران مشاهده نمود. با نگاهي به راهبردهاي اصلي چون ارتقاء امنيت غذا و تغذيه، ايجاد امنيت شغلي، توزيع عادلانه درآمدها، تامين نيازهاي اساسي مردم از جمله مسکن، آموزش، بهداشت قدم بسيار بزرگي در جهت ساماندهي فقر برداشته شده است. در اين برنامه براي اولين بار حضور نهادها و موسسات غيردولتي در برنامه هاي فقرزدايي در نظر گرفته شده است . به عنوان نمونه در راهبرد پيشگيري و کاهش فقر يکي از محورهاي برنامه هاي توانمندسازي براي جمعيت واقع در سه دهک پايين درآمدي ترغيب نهادهاي غيردولتي جهت کاهش فقر از طريق اعمال روش هاي مختلف واگذاري انجام خدمات به آن‌ها مي‌باشد. با اين‌حال به نظر مي رسد اين برنامه‌ها به دليل همان آفات يعني عدم استنباط واحد از مقوله فقر (در برنامه چهارم انواع و اقسام فق ر مطلق، نسبي، معيشتي، قابليتي را مشاهده مي‌کنيم) و فقدان يک چارچوب منظم، منطقي و سيستماتيک با مشکلات بسياري براى کاهش فقر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مواجه شوند. بنابراين يكي از علل مهم ناكامي حل فقر در ايران آشفتگي و نبود يك نظام منطقي و هدفمند در سياست ها و برنامه هاي كلان توسعه كشور مي‌باشد.

از ديگر موارد بسيار مهم در آسيب شناسي برنامه‌هاي فقرزدائي در ايران مسئله عدم تعهد و پايبندي به اجراي برنامه‌هاي مصوب نظام مي‌باشد. به عنوان نمونه اگر چه از اهداف اصلي برنامه اول بهبود و ارتقاء سطح رفاه خانواده و محروميت‌زدايي بود اما در عمل به دليل اجراي برنامع تعديل ساختاري در كشور شرايط زندگي افراد جامعه به خصوص طبقه محروم و نيازمند جامعه را با بحران مواجه ساخت . برنامه‌هاي تعديل ساختاري از طريق رويكردهاي معطوف به كنترل تقاضا و افزايش سطح عمومي قيمت ها آثار عميقي بر زندگي و معيشت فقرا خواهد گذاشت. به عنوان مثال اگر دولتي براي كاهش كسري بودجه خود مخارج دولتي بخش هاي مهمي چون بهداشت و درمان، آموزش و پرورش و ... را به نيروهاي بازار واگذار نمايد مي‌توان تصور نمود كه زندگي طبقه فقير جامعه با چه مخاطراتي مواجه خواهد شد. به همين دليل در بسياري از موارد، اجراي برنامه تعديل ساختاري همواره با گسترش و تعميق فقر همراه بوده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

به‌طور كلي مي توان ريشه هاي آسيب شناختي برنامه‌هاي فقرزدائي در ايران را در محورهاي ذيل خلاصه نمود:

الف) عدم استنباط واحد مقوله فقر در ميان نخبگان علمي و اجرايي دركشور: همان‌گونه كه توضيح داده شد، هنوز بين اين دو گروه يك اجماع و توافق كلي صورت نگرفته است. درست به همين دليل براساس تعاريف و استنباط‌هاي مختلف تعداد فقرا براساس يك مطالعه n نفر و براساس مطالعه ديگر m نفر برآورد مي‌شود.

ب) آشفتگي و پراكندگي در سياست‌ها و برنامه‌هاي فقر زداي ي در ايران : در بخش هاي قبلي اشاره گرديد كه اولا برنامه جامع فقرزدايي مصوب نظام در كشور هنوز وجود ندارد و حضور بعضي از سياست هاي كلي در برنامه هاي توسعه نيز متنوع، پراكنده و غيرهدفمند مي‌باشد.

ج) تعدد نهادهاي متولي فقرزدائي و عدم وجود مسئول و مرجع ملي در ح وزه فقر: هنوز كشور فاقد يك نهاد، سازمان يا كميته رسمي است كه مسئوليت تمام اقدامات انجام گرفته و يا آتي در امر فقر را به عهده بگيرد . به عنوان مثال با وجود نهادهاي مهمي چون كميته امداد، سازمان بهزيستي كشور، وزارت رفاه و تامين اجتماعي و غيره كه هريک به نوبه خ ود نقش بسيار مهمي در تصميم گيري و سياست‌گذاري دارند، با وجود تجربيات موفق در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

امر فقرزدائي توسط اين دستگاه ها با پديده موازي كاري و عدم انسجام و هماهنگي در سياست ها مواجه هستيم . هچنين با مراجعه به اعلان رسمي نهادهايي چون سازمان مديريت و برنامه ريزي، مركز آم ار ايران، وزارت كار و امور اجتماعي و.... مي‌توان شاهد آمارهاي مختلف توسط اين نهادهاي رسمي بود . به عبارتي وجود نهادهاي متفاوت و آمارهاي مختلف خود يكي از نابسامانی‌های برنامه هاي فقرزدائي در ايران است.

د) برخورد منفعلانه با انديشه ها و آموزه هاي وارداتي فقر: در حالي كه قانون اساسي به صراحت به رفع فقر و هر گونه مظاهر محروميت و تبعيض اشاره دارد اما كشور تاكنون از مرزهاي فقر مطلق و فقر نسبي فراتر نرفته است. اين مسئله نه تنها در حوزه فقر و در ايران بلكه در اكثر زمينه هاي توسعه‌نيافتگي و در اكثر كشورهاي در حال توس عه بيماري رايج و متداولي است.

همان‌گونه كه در مقدمه اشاره شد اگر نگرش ايدئولوژيكي و ارزشي به فقر صورت گيرد مسئله بسيار پيچيده‌تر و مشكل‌تر خواهد شد. بحث در اين خصوص را به فرصتي ديگر موكول مي‌نماييم اما براي حل مسئله فقر در ايران راه حل خودي لازم است و بايد شرايط حاكم بر كشور را در نظر داشت . به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

قول مرحوم دكتر شريعتي براي حل مسائل اين كشور «تفكر ترجمه اي» شايسته نيست. نكته بسيار مهم درونـي كردن و ايراني كردن نظريات و تئوري هاي مرسوم است.

6) نتيجه‌گيري و پيشنهادات

با توجه به مباحث مطرح شده به نظر مي رسد نظام براي حل مسئله فقر ناگزير به اتخاذ يكي از دو انتخاب استراتژيك زير باشد:

الف) ادامه روند موجود بدون توجه به تغييرات روز افزون حيطه فقر در ابعاد ملي و بين‌المللي؛

ب) متوقف نمودن روند فعلي و تصميم بر اتخاذ وحدت رويه.

توضيح آن كه اگر كشور بخواهد تصوير مناسب و شفافي از خود در حوزه فقرزدايي در عرصه‌هاي داخلي و خارجي از خود نشان دهد ناگزير به پيروي و هماهنگي با تعاريف استاندارد جهاني مي باشد. با توجه به روند جهاني شدن اقتصاد، فرهنگ و ... بايد به اين نكته توجه داشت كه براي داشتن تصوير قابل مقايسه و منطقي از خود در ميان كشورهاي منطقه و جهان لازم است كه كشور از طبقه‌بندي‌ها و استانداردهاي بين المللي استفاده نمايد.* در اين صورت نحوه تعامل و همكاري هاي

* نكته مهم‌تر آن‌كه نظام فكري و اجرايي بايد توجه داشته

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كشور با ساير ارگان ها و نهادهاي بين المللي در جهت ريشه كني فقر و اتخاذ سياست هاي صحيح فقرزدايي معطوف به چارچوب هاي مذكور ب ه احتمال بسيار زياد قرين موفقيت بوده و جايگاه كشور را در ميان ساير كشورها ارتقاء خواهد داد.

در گزارش ملي اهداف توسعه هزاره جمهوري اسلامي ايران به دليل آن كه شاخص‌ها و معيارهاي فقر از استانداردهاي جهاني تبعيت مي نمايد علاوه بر مقايسه‌پذيري وضعيت ايران با س ايركشورها به سهولت مي‌توان يک برنامه هدفمندي را براي تحقق اهداف مورد نظر طي سال هاي آتي ارائه داد . (گزارش ملي اهداف توسعه هزاره، 1384_15:21)

به اعتقاد نويسنده زيبنده و شايسته كشور نيست كه هنگام اعلان رسمي آمارها و شاخص هاي فقر انبوهي از ارقام متعدد و گاهاً متعارض در گزارش‌هاي رسمي داخلي و خارجي منعكس گردد، به نحوي كه حتي تحليل گران و كارشناسان بين المللي را دچار آشفتگي نموده و آن‌ها را با ترديدهاي جدي مواجه سازد.

اگر فرض نمائيم ريشه كني فقردر كشور در چهار

باشد كه تنها به يك واردكننده و مصرف‌كننده محض از محصولات فكري ديگران تبديل نشود . به عبارتي ضم ن برخورد فعال با آن، در انتخاب آلترناتيو مناسب كشور دقت فراوان نموده تا كشور با اتلاف هرز روي منابع انساني و مادي و ساير آسيب‌هاي احتمالي مواجه نشود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

زمینه کلی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعریف و عملیاتی گردد و آنگاه اگر بپذیریم که در فقرزدایی اقتصادی تامین و تهیه نیازهای اساسی و حیاتی انسان یعنی خوراک، مسکن، آموزش و بهداشت از اولویت نخست برخوردار است، به جرات می‌توان گفت که اهداف توسعه هزاره یک سند جهانی است که حاوی تمامی اهداف مورد نظر فقرزدایی اقتصادی است و نکته بسیار مهم تر همسویی این اهداف با ارزش‌ها و معیارهای کلی تمامی بشریت از جمله کشور ما می باشد. در واقع اگر فهرست نیازهای حیاتی یک فرد ایرانی در قانون اساسی (خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش و بهداشت) را برشماریم می توان گفت که اهداف توسعه هزاره دقیقاً منطبق با خواسته‌های مورد نظر ما در قانون اساسی است.

حال باتوجه به آن‌که در مورد فقرزدایی اقتصادی یک اجماع جهانی حاصل شده است، لذا مهم ترین اقدام ملی در این زمینه هم سو کردن تمامی فعالیت‌های فقرزدایی در ایران با اهداف توسعه هزاره می باشد بنابراین تشکیل کمیته ملی فقرزدایی در ایران برای حل تمامی چالش ها و مشکلات مطرح شده ضروری به نظر می‌رسد.

وظایف اصلی این کمیته می تواند رسیدن به یک اجماع و توافق ملی از مفهوم و ماهیت فقر در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ايران، ارائه توصيه هاي سياستي به مسئولان و نهادهاي درگير در امر فقرزدايي، اعلان رسمي آمار و ارقام خط فقر در ايران تهيه و تكميل بانک اطلاعاتي فقر باشد . جايگاه اين كميته بايد به گونه اي باشد كه تمامي مصوبات آن براي دستگاه ها، بخش خصوصي و نهادهاي مدني جنبه قانوني و الزامي داشته باشد. در اين كميته نمايندگان دولت، بخش خصوصي و نهادهاي مدني بايستي حضور داشته باشند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع

References

1. سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور، (1384)، **اولين گزارش ملي اهداف توسعه هزاره جمهوري اسلامي ايران**، موزه و انتشارات، مركز مدارک علمي،.
2. سازمان برنامه و بودجه . (1378)، **اولين گزارش ملي توسعه انساني جمهوري اسلامي ايران**. تهران.
3. پروين، سهيلا. (1372)، **زمينه‌هاي اقتصادي فقر در ايران**، پايان‌نامه دوره دكتري . دانشگاه تربيت مدرس.
4. حسين غفراني و ديگران. (1382)، **گزارش توسعه انساني سال 2003**، موسسه فرهنگي ابن سيناي بزرگ. تهران.
5. رئيس دانا، فريبرز . (1380)، **بررسي‌هايي در آسيبشناسي اجتماعي در ايران**، دانشگاه علوم بهزيستي و توانبخشي. تهران.
6. رئيس‌دانا، فريبرز و ديگران. (1379)، **فقر در ايران**، دانشگاه علوم بهزيستي و توانبخشي . تهران.
7. راواليون، مارتين . (1376)، **مقايسه فقر**، وزارت جهادسازندگي، مركز تحقيقات و بررسي مسائل روستايي، تهران.
8. ستوده، هدايت‌الله. (1378)، **آسيبشناسي اجتماعي**. انتشارات آواي نور. چاپ پنجم. تهران.
9. موسسه عالي آموزش و پژوهش مديريت و برنامه‌ريزي. (1381)، **فقر و شكاف اجتماعي** . دفتر دوم از مجموع گزارش‌هاي همايش چالش‌ها و چشم اندازهاي توسعه ايران.
10. سازمان برنامه و بودجه. (72-1368)، **قانون برنامه اول توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران. (72-1368)**، مركز

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مدارک اقتصادي ـ اجتماعي و انتشارات.
11. سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور. (1383)، **قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران. (88 ـ 1384)**، مركز مدارک علمي و انتشارات.
12. سازمان برنامه و بودجه. (1375)، **قانون برنامه دوم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران. (78ـ1373)**، مركز مدارک اقتصادي ـ اجتماعي و انتشارات.
13. سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور، (1382)، **قانون برنامه سوم توسعه اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي جمهوري اسلامي ايران. (83ـ1379)**، مركز مدارک علمي و انتشارات.
14. كاوسي، شراره ، قلمزن نيكو، كاملیا . (1383)، **فقر، توزيع درآمد و رفتار مصرفي خانوارهاي استان گيلان** ، 1380ـ1374، سازمان مديريت و برنامه‌ريزي استان گيلان.
15. سازمان مديريت و برنامه ريزي كشور، 1384. **كتاب راهنماي آرمان ها و اهداف توسعه هزاره** زيرچاپ. مركز مدارک علمي و انتشارات،

16. "**A manual for evaluation targeted poverty alleviation programmes**", (2000). New York, United Nations.
17. world Bank, (2002)**. "A Sourcebook for poverty reduction strategies"/ edited by Jeni Klugman,** Washington, D.C.
18. **"Globalization and liberalization: effects of international economic relations on poverty"** (1996). New York, UNCTAD,.
19. world Bank**,** (2002).**"Globalization, growth, and poverty; building an inclusive world economy"**, Washington DC.
20. Kochendorfer, Gudrun Pleskovic, Lucius and Boris, (2005)."**Investment climate, growth, and poverty**"/, Washington, D.C. World Bank; {Berlin},

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

Internationale Weiterbilduna und Entwichluna a Gmbh.

21. UNESCO, (1996). Paris. **"Poverty: a global review: handbook on international poverty research"**/.
22. **"Promoting the millennium development goals in Asia and the Pacific: meeting the challenges of poverty reduction",** (2003). New York, United Nations.
23. Schiller, Bradley R, (2001). **"The economics of poverty and discrimination"** / prentice Hall, New Jersey, 8th ed.
24. Bourguignon , Francois Pereira da Silva, Luiz A.**"The impact of economic policies on poverty and income distribution: evaluation techniques and tools"**/, (2003). copublication of the World Bank and Oxford University Press Washington, D.C.
25. Bustillo Perez Genugten and Camilo Willem van, (2001).**"The poverty of rights: human rights and the eradication of Poverty"**/ Zed Books, London.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

References

منـابـع

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]